



## Semantic Analysis of the Statement "The Best Wealth is That Which Protects Honor" in the Hadith Family and Its Ethical Value

Mohsen Nouraei <sup>a\*</sup>, Fatemeh Ramyar <sup>b</sup>

<sup>a</sup>. Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Mazandaran, Babolsar, Iran, Email ([m.nouraei@umz.ac.ir](mailto:m.nouraei@umz.ac.ir))

<sup>b</sup>. PhD Student, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Mazandaran, Babolsar, Iran, Email ([f.ramyar02@umail.umz.ac.ir](mailto:f.ramyar02@umail.umz.ac.ir))

### KEYWORDS

Best wealth,  
Prestige,  
Context,  
Semantic relations.

### ABSTRACT

1- Understanding the profound teachings of the Ahl al-Bayt (peace be upon them), though challenging, is deeply valuable. By applying valid and modern methods from the field of semantics, this endeavor becomes both feasible and enlightening.

2- This study examines the statement "The best wealth is that which protects honor" by exploring the semantic relationships between its key terms, aiming to offer a deeper and renewed understanding of this saying attributed to Imam Reza (peace be upon him). Using a descriptive-analytical approach, the research investigates the semantic links between the vocabulary of this narration and related hadiths, while also examining its role in shaping ethical values in real-world contexts.

3- The findings show that the words "wealth" and "honor," in the positive context of related narrations, share a hyponymic relationship with terms such as "does not perish," "goodness," "nobility," and "the best of deeds." In contrast, in the negative context of related narrations, these two words exhibit semantic opposition to the term "baseness."

4- A comparison of value criteria across different types of financial transactions reveals that the semantic transformations of the words "consumption" and "clothing," as hyponyms of "wealth," reflect relative value in the real world. Meanwhile, the transformation of the word "charity," as a hyponym of "the best wealth," conveys absolute value.

These findings demonstrate that semantic analysis can lead to a more accurate and profound understanding of the ethical concepts and value systems embedded in the teachings of the Ahl al-Bayt (peace be upon them).

## تحلیل معناشناختی گزاره "أَفْضَلُ الْمَالِ مَا وَقِيَ بِهِ الْعِرْضُ" در خانواده حدیث و ارزشمندی آن

محسن نورایی<sup>الف\*</sup>، فاطمه رامیار<sup>ب</sup>

<sup>الف</sup> دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران، ایمیل ([m.nouraei@umz.ac.ir](mailto:m.nouraei@umz.ac.ir))

<sup>ب</sup> دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران، ایمیل

([f.ramyar02@umail.umz.ac.ir](mailto:f.ramyar02@umail.umz.ac.ir))

واژگان کلیدی	چکیده
أفضل المال، عِرْضُ، سیاق، روابط معنایی.	درک دقیق و عمیق تعالیم اهل بیت علیهم السّلام اگرچه دشوار، اما بسیار ارزشمند است. با استفاده از روش‌های معتبر و نوین در حوزه دانش معناشناسی، این امر امکان‌پذیر و راهگشا خواهد بود. در این پژوهش، گزاره «أَفْضَلُ الْمَالِ مَا وَقِيَ بِهِ الْعِرْضُ» با تکیه بر کشف روابط معنایی بین واژگان مورد بررسی قرار گرفته است تا درک جدید و عمیق‌تری از این فرمایش امام رضا علیه‌السّلام ارائه شود. این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی به تحلیل روابط معنایی بین واژگان این روایت و احادیث هم‌خانواده آن پرداخته و نقش آن را در ارزش‌های اخلاقی در جهان واقعی بررسی کرده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که واژگان «مال» و «عِرْضُ» در سیاق مثبت روایات هم‌خانواده، دارای رابطه زیرشُمول معنایی با واژگانی مانند «لَمْ يَذْهَبْ»، «خَيْرٌ»، «النَّبَلُ» و «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ» هستند. همچنین، این دو واژه در سیاق منفی روایات هم‌خانواده، با واژه «اللُّؤْمُ» تقابل معنایی پیدا می‌کنند. از مقایسه معیار ارزش در انواع تصرفات مالی مشخص می‌شود که گشتار واژه‌های «أَكْلُ» و «لُبْسُ» زیرشُمول واژه «مال»، دارای ارزش نسبی در جهان واقع هستند؛ در حالی که گشتار واژه «صَدَقَ» زیرشُمول عبارت «أَفْضَلُ الْمَالِ»، بیانگر ارزش مطلق است. این یافته‌ها نشان می‌دهند که تحلیل معناشناختی می‌تواند به درک بهتر و عمیق‌تری از مفاهیم اخلاقی و ارزش‌های مطرح‌شده در تعالیم اهل بیت علیهم‌السلام منجر شود.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۱۸	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۸	

## التحليل الدلالي لعبارة 'أفضل المال ما وقى به العرض' في سياق الأحاديث ذات الصلة وقيمتها

محسن نورایی<sup>أ\*</sup>، فاطمه راميار<sup>ب</sup>

أ. أستاذ مشارك، قسم علوم القرآن والحديث، كلية الإلهيات والدراسات الإسلامية، جامعة مازندران، بابلسر، إيران، البريد الإلكتروني :

[m.nouraei@umz.ac.ir](mailto:m.nouraei@umz.ac.ir)

ب. طالب دكتوراه، قسم علوم القرآن والحديث، كلية الإلهيات والدراسات الإسلامية، جامعة مازندران، بابلسر، إيران، البريد الإلكتروني:

[f.ramyar02@umail.umz.ac.ir](mailto:f.ramyar02@umail.umz.ac.ir)

الكلمات المفتاحية:	الملخص
أفضل المال، العرض، السياق، العلاقات الدلالية.	إنَّ الفَهْمَ الدَّقِيقَ وَالعمِيقَ لِتعاليم أهل البَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَإِنْ كَانَ صَعْبًا، إِلَّا أَنَّهُ ذُو قِيَمَةٍ عَالِيَةٍ. وَبِاسْتِخْدَامِ مَنْهَجِيَّاتِ عِلْمِ الدَّلَالَةِ الْحَدِيثِيَّةِ وَالْمَوْثُوقَةِ، يَصْبِغُ هَذَا الأَمْرُ مُمَكِّنًا وَمُفِيدًا. فِي هَذَا البَحْثِ، دُرِسَتِ العِبَارَةُ «أَفْضَلُ المَالِ مَا وَقَى بِهِ العَرَضُ» بِالإِغْتِمَادِ عَلَى اكْتِشَافِ العَلَاقَاتِ الدَّلَالِيَّةِ بَيْنَ الكَلِمَاتِ لِتَقْدِيمِ فَهْمٍ جَدِيدٍ وَأَعْمَقٍ لِهَذَا الحَدِيثِ لِإِثْمَانِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ. إِعْتَمَدَتِ الدِّرَاسَةُ عَلَى المَنْهَجِ الوُضْعِيِّ التَّحْلِيلِيِّ لِتَحْلِيلِ العَلَاقَاتِ الدَّلَالِيَّةِ بَيْنَ كَلِمَاتِ هَذَا الحَدِيثِ والأَحَادِيثِ ذَاتِ الصِّلَةِ، وَدِرَاسَةَ دَوْرِهَا فِي القِيَمِ الأَخْلَاقِيَّةِ فِي العَالَمِ الوَاقِعِيِّ. أَظْهَرَتِ نَتَائِجُ البَحْثِ أَنَّ كَلِمَتِي «المال» وَ«العرض» فِي سِيَاقِ الأَحَادِيثِ الإِجْبابِيَّةِ ذَاتِ الصِّلَةِ لهُمَا عَلاَقَةٌ تَضُمُّنِ دَلَالِيٍّ مَعَ كَلِمَاتٍ مِثْلَ «لَمْ يَدْهَبْ»، «خَيْرٌ»، «النَّبِيلُ»، وَ«أَفْضَلُ الأَعْمَالِ». كَمَا أَنَّ هَاتَيْنِ الكَلِمَتَيْنِ فِي سِيَاقِ الأَحَادِيثِ السَّلْبِيَّةِ ذَاتِ الصِّلَةِ تَتَعَارَضَانِ دَلَالِيًّا مَعَ كَلِمَةِ «اللُّؤْمُ». وَمِنْ مُقَارَنَةِ مَعْيَارِ القِيَمَةِ فِي أَنْوَاعِ التَّصَرُّفَاتِ المَالِيَّةِ، يَتَبَيَّنُ أَنَّ تَحْوُلَاتِ كَلِمَتِي «أَكْلٌ» وَ«لُبْسٌ» تَحْتَ مَفْهُومِ «المال» لهُمَا قِيَمَةٌ نَسْبِيَّةٌ فِي العَالَمِ الوَاقِعِيِّ، فِي حِينِ أَنَّ تَحْوُلَ كَلِمَةِ «صَدَقٌ» تَحْتَ مَفْهُومِ «أَفْضَلُ المَالِ» يُعَبِّرُ عَنِ قِيَمَةٍ مُطْلَقَةٍ. هَذِهِ النَتَائِجُ تُبَيِّنُ أَنَّ التَّحْلِيلَ الدَّلَالِيَّ يُمَكِّنُ أَنْ يُؤَدِّيَ إِلَى فَهْمٍ أَفْضَلٍ وَأَعْمَقٍ لِلْمَفَاهِيمِ الأَخْلَاقِيَّةِ وَالقِيَمِ المَطْرُوحَةِ فِي تَعَالِيمِ أَهْلِ البَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ
تاريخ الاستلام:	1403/12/20
تاريخ المراجعة:	1404/03/18
تاريخ القبول:	1404/02/28

## ۱- مقدمه

در روش سنتی و رایج برای فهم معنای واژگان در روش سنتی و رایج برای فهم معنای واژگان در متون مختلف، از دانش‌هایی مانند بلاغت، مجاز و استعاره‌های مفهومی استفاده می‌شود. محققان با مراجعه به این دانش‌ها می‌کوشند تا ریشه و معنای واژه‌ها را دریابند. با این حال، به تدریج مشخص شد که این تلاش‌ها گرچه لازم، اما کافی نیست. و برای فهم دقیق متون، به آگاهی‌های تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی و نیازست. این نیازمندی منجر به پیدایش دانش جدید معناشناسی شد. استفاده از روش‌های نوین معناشناسی در کنار روش‌های سنتی، به غنای پژوهش‌ها کمک می‌کند.

زبان‌شناسی که زیر مجموعه معناشناسی است به تدریج با چالش‌های تغییرات معنایی مواجه شد، به گونه‌ای که مرزبندی معنایی واژگان به تنهایی نمی‌توانست دانش زبان را ارتقا دهد. از این رو، رویکرد بررسی روابط معنایی و مفهومی واژه‌ها ظهور کرد. بر این اساس، «واژه‌ها را نباید به شکل منفرد بررسی کرد، بلکه باید به رابطه معنایی هر واژه با واژه‌های مرتبط توجه داشت» (Geeraerts, 2010, p. 53). زبان‌شناس بلژیکی، تریر (Trier)، برای توضیح این نظریه از مثال موزاییک‌ها استفاده می‌کند: هر واژه در کنار واژه‌های همسایه‌اش، ویژگی‌های مفهومی خاصی دریافت می‌کند. واژه‌ها مانند موزاییک‌هایی هستند که به تنهایی نمی‌توانند شکل خاصی را نشان دهند، اما در کنار هم قرار گرفتن آنها شکل نهایی را ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر، هر واژه در کنار واژه‌ای دیگر، ویژگی مفهومی آن واژه را آشکار می‌سازد» (Trier, 1931, p. 3).

در عصر حاضر، رشد تدریجی دانش معناشناسی و سودمندی آن در تحلیل متون، به‌ویژه متون دینی، توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرده است. معناشناسی به عنوان شاخه مهم زبان‌شناسی، به بررسی معنا و روابط میان واژگان در بافت‌های مختلف می‌پردازد و ابزارهای تحلیلی قدرتمندی را برای فهم دقیق‌تر متون در اختیار می‌گذارد. این دانش با ارائه روش‌های نوین، امکان کشف لایه‌های عمیق‌تر معنا و تفسیر دقیق‌تر متون را فراهم می‌کند.

در حوزه متون دینی، به‌ویژه روایات معصومان (ع)، استفاده از روش‌های معناشناسی می‌تواند به درک بهتر مفاهیم و پیام‌های نهفته در این متون کمک شایانی کند. یکی از سخنان برجای مانده از امام رضا (ع)، عبارت «أَفْضَلُ الْمَالِ مَا وَقِيَ بِهِ الْعَرَضُ» است که در ضمن حدیثی از امام علی ابن موسی الرضا (ع) و در منابع روایی مانند «بحار الأنوار» (مجلسی، بی تا، ج ۷۸، ص ۳۵۲)، «مسند الإمام الرضا» (الطاردی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۳۰۲) نقل شده است. این گزاره، با تأکید بر رابطه میان مال و آبرو، مفهومی عمیق و ارزشمند را بیان می‌کند که نیازمند تحلیل دقیق‌تر است.

تاکنون، اندیشمندان مسلمان با استفاده از روش‌های متعارف و سنتی، این عبارت را معنا کرده و کوشیده‌اند تا تفسیری درخور ارائه دهند. با این حال، به‌کارگیری روش‌های جدید معناشناسی در کنار روش‌های سنتی، می‌تواند ما را به نتایج بهتر و جدیدتری رهنمون سازد. این رویکرد ترکیبی، نه تنها به درک بهتر روابط معنایی میان واژگان کمک می‌کند، بلکه امکان کشف مفاهیم پنهان و لایه‌های عمیق‌تر معنا را نیز فراهم می‌آورد.

در این پژوهش، با استفاده از ابزارهای معناشناسی، به تحلیل فراز یاد شده از روایت امام رضا (ع) پرداخته می‌شود تا با بررسی روابط معنایی واژگان کلیدی مانند «مال»، «عرض»، و «أفضل»، درک جامع‌تری از این جمله بدست آید. این تحلیل، علاوه بر روشن‌سازی معنای ظاهری روایت، به کشف ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی نهفته در آن نیز کمک خواهد کرد. اکنون سوال نوشتار حاضر اینست:

- ۱- چه روش‌های معناشناختی برای تحلیل روابط بین واژگان سخن امام رضا علیه السلام به کار گرفته می‌شود؟
- ۲- چگونه مفهوم «أفضل المال» در روایت امام رضا علیه السلام با مفاهیم مشابه در روایات و آیات قرآن مقایسه می‌شود؟
- ۳- چه تفاوت‌های مفهومی بین ارزش‌ها در تصرفات مال وجود دارد؟

فرضیه پژوهش بر اینست واژگان به ظاهر پراکنده در روایات، معانی منسجم با یکدیگر دارند؛ برای رسیدن به پاسخ سوالات مطرح شده، دامنه پژوهش در مرحله اول به معنی واژگان روایت، سپس به روابط مفهومی آنها با عرضه بر واژگان دیگر روایات پرداخته و در این هدف به روابط شمول معنایی واژگان و انواع آن با رسم نمودار، روابط متقابل واژگان روایات بررسی می‌شود؛ در گام بعدی به مسأله نسبیت یا مطلق بودن ارزش‌های مال خواهد پرداخت و در نهایت نکات کاربردی مهمی در خصوص مفهوم سازی واژگان روایت به دست می‌دهد.

## ۲- پیشینه پژوهش

فراز روایت "أَفْضَلُ الْمَالِ مَا وَقِيَ بِهِ الْعِرْضُ" (بهترین مال، آن است که به وسیله آن آبرو حفظ شود) از جمله روایات کاربردی در حوزه اخلاق اقتصادی اسلام است که در منابع حدیثی شیعه، به ویژه در آثار مرتبط با امام رضا (ع)، نقل شده است. این روایت در منابع معتبری مانند بحار الأنوار (مجلسی، بی تا، ۷۸: ۳۴۵) و نیز در مسند الإمام الرضا (ع) (الطاردی، ۱۳۹۲ق، ۱: ۳۰۲) به صورت توصیفی ذکر شده، اما بررسی دقیق نشان می‌دهد که این فراز از حدیث تاکنون به صورت مستقل و تحلیلی مورد پژوهش قرار نگرفته است. حتی در مطالعات تطبیقی درباره احادیث ناظر به مسئولیت‌های مالی، بیشتر به روایاتی مانند "كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا" یا "نِعْمَ الْعَوْنُ الْمَالِ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ" استناد شده، و کمتر به این فراز از روایت و جایگاه آن در نظام ارزشی اسلام توجه شده است.

با توجه به این خلأ پژوهشی، مقاله حاضر نخستین مطالعه منسجم در تحلیل معناشناختی این گزاره حدیثی خواهد بود. هدف اصلی، کشف لایه‌های پنهان معنایی این روایت در چارچوب خانواده حدیثی و نیز ارزشمندی آن در نظام اخلاقی و اقتصادی اسلام کشف شود. همچنین، با توجه به تأکید روایت بر پیوند مال و آبرو، این پژوهش می‌تواند پایه‌ای برای مطالعات بعدی در حوزه تعامل اقتصاد و اخلاق در آموزه‌های رضوی باشد.

## ۳- مبانی نظری معناشناسی

"معنا" (Meaning) مفهومی پیچیده است که به واژه یا جمله مرتبط می‌شود و از جهات مختلفی تعریف شده است. از یک جهت، معنا به رابطه با جهان واقع اشاره دارد، به این معنا که رویدادهای واقعی واژگان هستند که «از زبان به جهان خارج ارجاع داده می‌شوند» (Frege, 1948, p. 209). از جهت دیگر، معنا به عنوان تصویری ذهنی (mental image) تعریف می‌شود. آگدن (Ogden) و ریچاردز (Richards) این نظریه را مطرح کردند و در طرح خود، شکل‌های مختلف زبان را به عنوان "نماد" (symbol)، جهان خارج را به عنوان "مصدق" (signification)، و اندیشه را به عنوان "تصور ذهنی" (mental image) معرفی کردند. این مفاهیم در کنار هم، شکلی به نام "مثلث دلالت" (semiotic triangle) پدید می‌آورند (Ogden & Richards, 1923, p. 11). نظریه دیگری نیز بیان می‌کند که «معنا در ضمن کاربرد تعیین می‌شود و به همین دلیل برای تعیین معنا باید خود کاربرد واژه را تحلیل کرد» (Carnap, 1952, p. 65).

با وجود انواع رویکردهای معناشناسی فوق، «معناشناسی امروزه با وضعیت عجیبی روبرو است. رابطه میان زبان و جهان خارج که در آغاز به نظر می‌رسید جنبه اصلی مطالعه "معنا" باشد، به تدریج کنار گذاشته شده است» (صفوی، ۱۳۹۷ش: ۶). با این اوصاف، "معناشناسی" (Semantics) علمی است که نه تنها به روابط میان واژگان می‌پردازد، بلکه به کاربرد معنا و نسبت‌های میان مفاهیم نیز توجه دارد.

نوام چامسکی (Noam Chomsky) اولین زبان‌شناسی بود که "روابط مفهومی واژگان" را مطرح کرد. او استدلال خود را بر مشاهدات مربوط به اکتساب زبان انسان استوار کرد و بیان داشت که یادگیری زبان صرفاً به معنای یادگیری تعداد زیادی از لغات نیست، بلکه ارتباطی که بین مفاهیم و معنای لغات وجود دارد، سبب می‌شود تا فرد بتواند جملات بی‌نهایت در موقعیت‌های مختلف بسازد. در واقع، در مکتب چامسکی، روابط معنایی به کمک جریان‌های مختلف زبان‌شناختی و تحلیل‌های معناشناسی قابل کشف است. او فرایندهایی را در کسب روابط معنایی جملات در دستور و قاعده قرار داد، همچون هم‌معنایی، تضاد معنایی، شمول معنایی، استلزام معنایی، چندمعنایی، پیش فرض، همان‌گویی معنایی، تناقض معنایی و گشتار.

در روابط معنایی، گاهی تغییری در واژگان یا ساختار صوری جمله‌ای با جمله دیگر رخ می‌دهد که منجر به معنایی متناسب و موافق می‌شود. این تغییر را "گشتار" می‌نامند. «اصطلاح گشتار به عنوان معادل (transform) گرفته شده و به معنای تغییر دادن طبیعت، کارکرد یا حالت چیزی و یا تبدیل آن است. در زبان‌شناسی، این اصطلاح به تبدیل و جابجایی در ساخت واژگان جمله اطلاق می‌شود» (قائمی نیا، ۱۴۰۰ش: ۱۱۱).

چامسکی جملاتی که در ذهن ساخته می‌شوند ولی هنوز بر زبان جاری نشده‌اند را "ژرف ساخت" (Deep Structure) و هر آنچه که به زبان می‌آید را "روساخت" (Surface Structure) نامید. در زبان، قواعدی وجود دارند که ژرف ساخت‌ها را به روساخت‌ها تبدیل می‌کنند و این قواعد همان گشتارها (Transformations) هستند (چامسکی، ۱۳۸۰ش: ۵۳). پیشوند (trans) دو معنا

دارد: یکی انتقال از یک زبان به زبان دیگر، یعنی ترجمه کردن (Translate)، و دیگری معنای تغییر و تحول است. به عبارت دیگر، گشتار به معنای تغییر دادن از شکل ژرف ساخت به روساخت است.

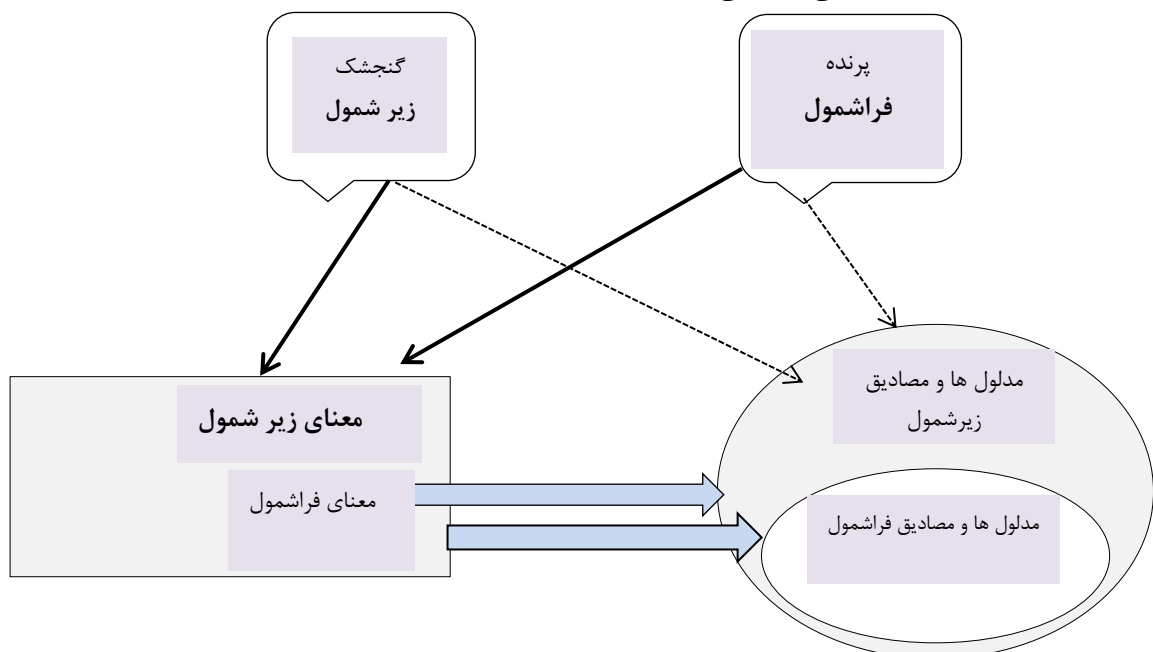
#### ۴- معنا در عرصه کاربرد

هرگاه ذهن بخواهد مطلبی را بیان کند، ابتدا یک معنا یا مفهوم (concept) در ذهن شکل می‌گیرد که نیاز به واژگان (lexicon) دارد تا بتوان این مفاهیم را به مخاطب منتقل کرد. اما واژگان به تنهایی کافی نیستند و نیاز به قواعدی (Subcategorical Rules) دارند. این قواعد شامل تشخیص نوع کلمه (اسم، فعل، حرف، صفت، قید، ضمیر، حروف اضافه، حروف ندا و حروف ربط) و کاربرد آن کلمه در جمله است. در این مرحله، واژگان برای تشکیل جمله در ذهن انتخاب می‌شوند. سپس، این واژگان باید در ساختار مناسبی (Phrase Structural Rules) قرار گیرند - یعنی چیدمان واژه‌ها - تا مفهوم و منظور گوینده به درستی انتقال یابد. چیدمان واژه‌ها در ذهن همان "ژرف ساخت" (Deep Structure) است که در نهایت به "روساخت" (Surface Structure) تبدیل می‌شود. برای شناسایی گشتارهایی که این تغییر و تحول از ژرف ساخت به روساخت را ممکن می‌سازند، نیاز به تحلیل و شناخت دقیق گشتارها وجود دارد.

چامسکی این گشتارها را به طور دقیق تفکیک کرده است، به طوری که هر گشتار متناسب با نوع خاصی از ژرف ساخت عمل می‌کند. مهمترین این گشتارها، گشتار در روابط معنایی واژگان است. برخی از انواع گشتارها عبارتند از: گشتار در شمول معنایی، گشتار در شبه ترادفی، گشتار در هم معنایی، گشتار در معنای لغوی، گشتار در هم معنایی تحلیلی، گشتار در هم معنایی ضمنی، گشتار در هم معنایی وابسته به سیاق، گشتار در جزءواژگی، گشتار در متضاد، گشتار در تقابل مدرج، گشتار در تقابل تکمیلی، گشتار در تقابل تعبیری.

گشتارها صرفاً ابزاری برای تفسیر و تبیین ساخت جملات نیستند، بلکه دلالت بر فرایند گسترش معنایی خاصی دارند. به عبارت دیگر، «وجود یک رابطه شمول یا به تعبیر دیگر عموم و خصوص میان دو واژه می‌تواند در سطح جمله نیز همین رابطه را برقرار کند و این همان رابطه شمول معنایی در سطح جمله است» (پاکتچی، ۱۳۹۴: ۴۵۸). علاوه بر این، گشتارها می‌توانند مصادیق و دلالت‌های واژه‌ها را نیز نشان دهند. «باید به این نکته توجه کرد که شمول معنایی، رابطه‌ای میان واژه‌ها به خاطر معنای آنها است و در نهایت این رابطه به مدلول و مصادیق آنها هدایت می‌کند. به عبارت دیگر، این رابطه ابتدا و بالذات به معنای الفاظ مربوط می‌شود و بالعرض به مدلول‌ها و مصادیق آنها سرایت می‌کند. بدین ترتیب، معنای فراشمول را در بر دارد و مدلول‌ها و مصادیق زیرشمول، زیرمقوله‌هایی از مدلول‌ها و مصادیق فراشمول هستند» (قائمی نیا، ۱۴۰۰: ۱۴۰).

نمودار زیر این نکته را به خوبی نشان می‌دهد:



در نمودار سه اصطلاح مشاهده می شود:

- (superordinate) فراشمول: واژه ای که چند واژه دیگر را در بر می گیرد (پرنده).
- زیرشمول (hyponym): اگر پرنده از نظر معنایی شامل گنجشک است، در این صورت گنجشک زیرشمول پرنده است.
- هم شمول (co.hyponim): واژه هایی که زیر مجموعه یک کل هستند.

## ۵- تبیین فراز «افضل المال»

در میان روایات برجای مانده از معصومان (ع) در موارد متعددی به موضوع اموال اشاره شده است. این موارد گاه به صراحت و به صورت مفصل و دیگر گاه به موجز و به صورت ضمنی است. در روایتی - که از حضرت امام علی ابن موسی الرضا علیه آلف التحیه والثناء است - بهترین دارایی، مالی معرفی شده به وسیله آن آبرو حفظ گردد. متن روایت چنین است: «مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ رَيْحَ، وَمَنْ عَقَلَ عَنْهَا حَسِرَ، وَمَنْ أَخَافَ أَمِنَ، وَمَنْ فَهَمَ عَلِمَ، وَصَدِيقُ الْجَاهِلِ فِي تَعَبٍ، وَأَفْضَلُ الْمَالِ مَا يُؤْفَى بِهِ الْعَرَضُ، وَفَضْلُ الْعَقْلِ مَعْرِفَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ، وَالْمُؤْمِنُ إِذَا قَدَرَ لَمْ يَأْخُذْ أَكْثَرَ مِنْ حَقِّهِ» (مجلسی، بی تا، ۷۸: ۳۴۵؛ العطاردی، ۱۳۹۲ق، ۱: ۳۰۲). هر کس به حساب خود برسد، سود می برد و هر کس از خود غافل شود، زیان می بیند. کسی که (از خدا) بترسد، ایمن می شود و کسی که عبرت گیرد، بینا می شود و کسی که بینا شود، (حقایق) را می فهمد و کسی که (حقایق) را بفهمد، دانا می شود. نادان در خستگی است و بهترین مال، مالی است که آبرو را حفظ کند و بهترین عقل، شناخت انسان از خودش است و مومن اگر بتواند، بیش از حق خود نمی گیرد.

هر چند مفاد روایت آشکار و در بدو امر می توان به مقصود این سخن پی برد اما به نظر می رسد با تامل در همنشینی دو مقوله «عرض» و «مال» و با بهره جویی از مباحث زبانشناسانه معرفتی عمیق تر از روایت به دست آورد. در این فراز روایت از یک سو رابطه همنشینی بین مال به عنوان ابزار «ماؤقی به» و آبرو به عنوان غایت «العرض» وجود دارد و از سوی دیگر رابطه جانیشینی که بهترین مال را مالی می داند که حافظ آبرو باشد و در مقابل بدترین مال را مالی معرفی می کند که موجب تضييع آبرو شود. این روایت با آیات متعددی از قرآن کریم در شبکه معنایی ارتباط تنگاتنگ دارد. آیاتی مانند: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء: ۷۰) که بر حفظ کرامت انسانی تأکید دارند و همچنین آیاتی مانند: «وَأَنذَرْتَهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ» (نور: ۳۳) که مسئولیت مال داری را تبیین می کنند، همگی مؤید این دیدگاه رضوی هستند. توجه به این نکات نه تنها به درک بهتر روایت کمک می کند، بلکه نشان می دهد که چگونه مفاهیم قرآنی و روایی در کنار هم، شبکه معنایی غنی و هماهنگی را تشکیل می دهند.

### ۵-۱- بررسی مفردات

#### ۵-۱-۱- کلمه " الْمَال "

کلمه «المال» در زبان عربی از ریشه «م و ل» گرفته شده و به معنای «مال و دارایی از هر نوعی که باشد» است. «در نزد روستاییان، این واژه بر دام و ستور مانند شتران و گوسفندان اطلاق می شود» (لسان العرب، ۱۴۱۴ق، و مجمع البحرین، ۱۳۷۵ش، ماده مول). همچنین، این کلمه برای مذکر و مؤنث یکسان است و گفته می شود «هو المَالُ و هی المال» (العین، ۱۴۰۹ق، و تاج العروس، ۱۴۱۴ق، ماده مول). مال به معنای هر چیزی است که انسان مالک آن باشد، یعنی ملکیت «ما ملکته من جمیع الأشياء» (القاموس المحيط، ۱۴۱۵ق، و قاموس قرآن، ۱۳۷۱ش، ماده مول).

راغب اصفهانی در تفسیر خود بیان می کند: «مال را از آن جهت مال گویند که پیوسته مائل و زائل است و از این جهت عرض خوانده شده که عارضی است و دوام ندارد. بر این اساس است قول آنکه گفته: «المَالُ فَحَبَّةٌ تَكُونُ يَوْمًا فِي بَيْتِ عَطَّارٍ وَ يَوْمًا فِي بَيْتِ بَيْطَارٍ»؛ مال مانند زن زناکاری است که روزی در خانه عطّار و روزی در خانه جراح است» (مفردات، ۱۴۱۲ق، ماده مول).

## ۲-۱-۵- کلمه «العِرْضُ»

لغت «العِرْضُ» به کسر عین در زبان عربی به معنای آبرو، حیثیت، و شرافت است و جمع آن «أَعْرَاضُ» می‌باشد. این واژه به آنچه از اصالت و بزرگی که انسان بدان می‌بالد و افتخار می‌کند، اشاره دارد. همچنین به آبرو، حیثیت، نفس، جسم، شرف و بزرگی پدران و نیاکان یا پیروان و فرزندان، بوی اندام، اخلاق پسندیده، ابر غلیظ، لشکر انبوه، و دسته‌های انبوه از ملخ نیز اطلاق می‌شود. به عنوان مثال، گفته می‌شود: «هُوَ نَقِيّ الْعِرْضِ»، یعنی او از هر بدی و پستی منزّه و پاک است (المنجدالطلاب، ۱۳۷۸ق، و تاج العروس، ۱۴۱۴ق، و لسان العرب، ۱۴۱۴ق، و البحر المحيط، ۱۳۷۵ق، ماده مول).

## ۳-۱-۵- کلمه «أَفْضَلُ»

واژه «أَفْضَلُ» از ریشه «فَضَلَ» به معنای «زیادت» و «برتری» است (مفردات، ۱۴۱۲ق، و لسان العرب، ۱۴۱۴ق، و العین، ۱۴۰۹ق، ماده فضل). در قاموس نیز «فضل» به عنوان ضد نقص تعریف شده است (قاموس، ۱۳۷۱ش، ماده فضل). در آیات قرآن، واژه «فضل» به دو معنا به کار رفته است: یکی به معنای «برتری» (اعراف / ۳۹) و دیگری به معنای «عطیه، احسان و رحمت» (بقره / ۲۵۱). طریحی در مجمع البحرین بیان می‌کند که کاربرد «فضل» در موضوعات پسندیده بیشتر است (البحر المحيط، ۱۳۷۵ش، ماده فضل).

در فراز روایت، سیاق جمله «أَفْضَلُ الْمَالِ مَا وَفَى بِهِ الْعِرْضُ» به ارجحیت یک مال از میان چندین مال اشاره دارد. با توجه به معنی لغوی «أَفْضَلُ»، نه هر ارجحیتی، بلکه پسندیده‌ترین انتخاب، ملاک و معیار بهترین مال است. به عبارت دیگر، بهترین مال آن است که بتواند آبرو و حیثیت انسان را حفظ کند.

## ۶- تحلیل شمول معنایی «المال» و «العِرْضُ» در روایات

واژه «مال» در اصطلاح به معنای «تمام چیزهایی که انسان رغبت دارد تا مالک آن شود» تعریف شده است، زیرا مال چیزی است که دل آدمی به سوی آن متمایل می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ۲: ۷۴). در واقع، مال به حق تصرف و بهره‌برداری از چیزی اشاره دارد که انسان مالک آن می‌شود. در اینجا ارتباط تنگاتنگی بین دو کلمه «مال» و «ملک» ایجاد شده است. تفاوت این دو در آن است که در «ملک»، تسلط و تحت سلطه قرار گرفتن هر چیزی مد نظر است، اما در «مال»، ارزش آن چیز است که اصطلاح «مال» را به کار می‌برد. به عبارت دیگر، مقام و ارزش شیء است که به آن «مال» ارزش می‌دهد، نه خود شیء.

در روایت «أَفْضَلُ الْمَالِ مَا وَفَى بِهِ الْعِرْضُ»، قرینه و همنشینی دو واژه «مال» و «عِرْضُ» در جمله و شرط حفظ آبرو برای مال، باعث شده است که مال به عنوان عالی‌ترین مال شناخته شود.

اکنون این سوال مطرح می‌شود: آیا صرف همنشینی واژه‌های «مال» و «عِرْضُ» است که سبب می‌شود تا چنین اموالی، برترین اموال باشد؟ یا اینکه ارزش‌های دیگری نیز در اثر این همنشینی وجود دارند؟ و اگر ارزش‌های دیگری وجود دارند، آیا جزئی از بهترین مال هستند و زیر شمول واژه «أَفْضَلُ الْمَالِ» قرار می‌گیرند؟

برای پاسخ به این سوالات، باید در روایات کاوش شود تا روشن گردد چه تعبیری با همنشینی «مال» و «عِرْضُ» سبب ارزشمندی مال می‌شود.

هدف قاعده گشتار این امکان را فراهم می‌کند که اگر مفهومی بتواند یک یا چند مفهوم دیگر را شامل شود، در چنین شرایطی رابطه شمول معنایی مطرح خواهد بود (صفوی، ۱۳۹۷ش: ۹۷). برای نمونه، در روایت «مَنْ النَّبْلِ أَنْ يَبْدُلَ الرَّجُلُ مَالَهُ وَ يَصُونَ عِرْضَهُ» (خوانساری، ۱۳۶۶ش، ۶: ۲۴۲) آمده است: «کسی که برای حفظ آبروی خود از مالش می‌گذرد، نشانه بزرگواری اوست». لغت «النَّبْلُ» به معنای بزرگواری و با فضیلت است (القاموس المحيط، ۱۴۱۵ق، و لسان العرب، ۱۴۱۴ق، و المحيط فی اللغة، ۱۴۱۴ق، و تاج العروس، ۱۴۱۴ق، ماده نبل). در این روایت، همنشینی «مال» و «عِرْضُ» منجر به مقام بزرگواری می‌شود.

واژه « النَّبْلِ » (بزرگواری) مستلزم « أَفْضَلُ الْمَالِ » (بهترین مال) است، اما عکس آن صادق نیست؛ یعنی بزرگی و فضیلت زیر شمول مال قرار می‌گیرد، اما مال لزوماً مستلزم فضیلت نیست. به عبارت دیگر، بزرگی و فضیلت از مصادیق بهترین مال محسوب می‌شوند، اما خود مال به تنهایی لزوماً نشان‌دهنده فضیلت نیست. این تحلیل نشان می‌دهد که شمول معنایی بین « مال » و « عرض » در روایات، به ایجاد ارزش‌های اخلاقی و معنوی مانند بزرگواری و فضیلت منجر می‌شود.

## ۱-۶- نمونه‌های روایات و تحلیل شمول معنایی

### ۱-۱-۶- روایت اول

« إِنَّ خَيْرَ مَالِكَ مَا وَقَيْتَ بِهِ عِرْضَكَ » (مجلسی، بی تا، ۴۴: ۱۸۹): «نیکوترین مال تو آن است که در راه حفظ آبرویت به کار ببری».

واژه « خَيْرٌ » اسم تفضیل و مخفف « أَحْسَنٌ » است و مؤنث آن « خَيْرَةٌ » می‌باشد. این واژه به معنای « بهتر و زیبنده‌تر » است (المنجدالطلاب، ماده خیر). همچنین به معنی برگزیدن، نیکی، و هر چیزی که به حد کمال خود برسد نیز به کار می‌رود (البحرالمحیط، ۱۳۷۵ق، و القاموس المحیط، ۱۴۱۵ق، و العین، ۱۴۰۹ق، و لسان العرب، ۱۴۱۴ق، و تاج العروس، ۱۴۱۴ق، ماده خیر). در این روایت، همنشینی «مال» و «عرض» سبب رسیدن به اوج نیکی و خوبی می‌شود. واژه «خیر» زیر شمول واژه «أفضل» المال قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، در اصطلاح منطق، رابطه عموم و خصوص من وجه بین این دو واژه برقرار است؛ یعنی هر «خیری» می‌تواند زیر شمول «مال» قرار گیرد، اما هر «مالی» لزوماً خیر و نیکی نیست.

### ۲-۱-۶- روایت دوم

« أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ صِيَانَةُ الْعُرْضِ بِالْمَالِ » (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۵: ۲۶۲): «بهترین اعمال آن است که مالش را سپر آبروی خود کند».

واژه « عَمَلٌ » به معنای «کار» است، اما این کار می‌تواند خوب یا بد باشد و خوب و بد بودن آن با قرینه مشخص می‌شود. مثلاً در آیات قرآن، « عَمَلِ الشَّيْطَانِ » (قصص/۱۵) به کار بد اشاره دارد، در حالی که « الْعَمَلُ الصَّالِحُ » (فاطر/۱) به کار نیک اشاره می‌کند (المنجدالطلاب، ۱۳۷۹ش، و قاموس قرآن، ۱۳۷۱ش، و العین، ۱۴۰۹ق، و لسان العرب، ۱۴۱۴ق، و القاموس المحیط، ۱۴۱۵ق، و التهذيب للغه، ۲۰۰۱م، و تاج العروس، ۱۴۱۴ق، ماده عمل).

در این روایت، همنشینی معنایی دو واژه « الْعُرْضُ » و « بِالْمَالِ » نشان می‌دهد که منظور از «عمل» نه تنها کار نیک است، بلکه به « أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ » نیز نسبت داده می‌شود. واژه « أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ » می‌تواند زیر شمول معنایی روایت «أَفْضَلُ الْمَالِ مَا وَقَيْتَ بِهِ الْعُرْضُ» قرار گیرد.

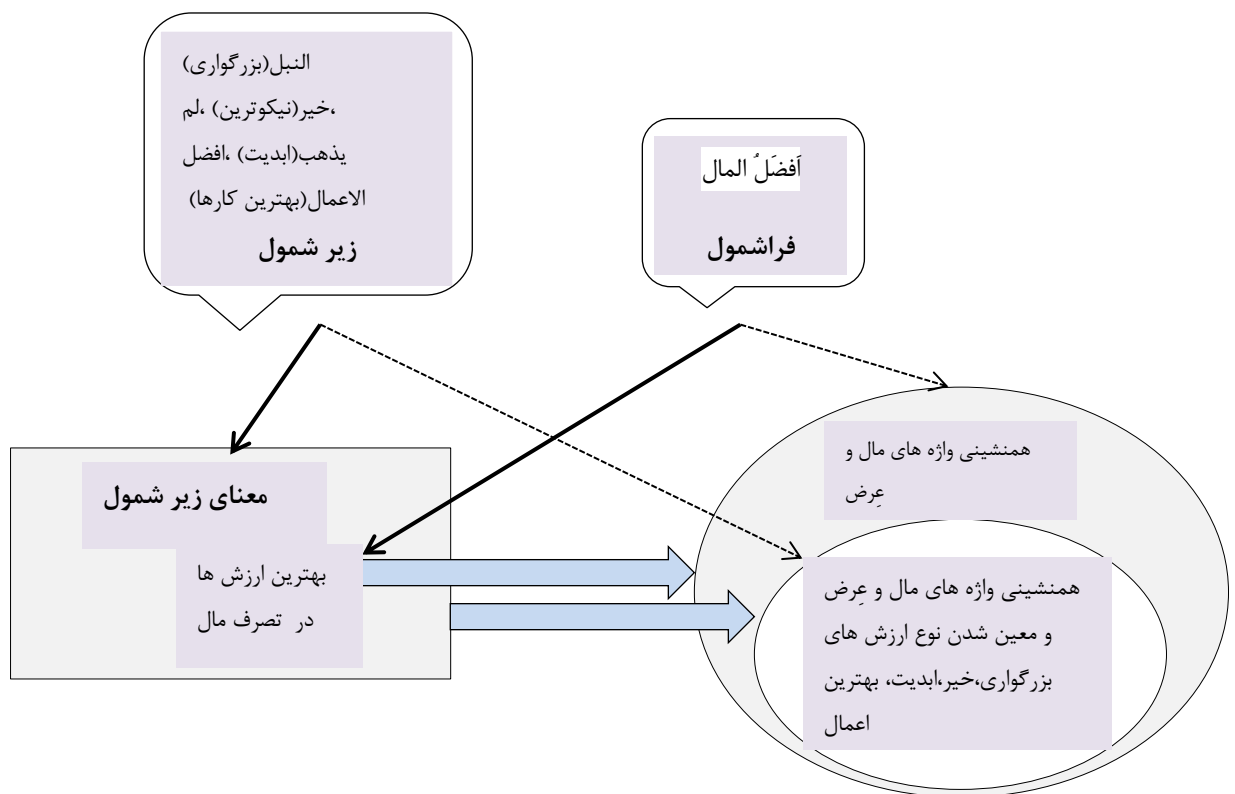
### ۳-۱-۶- روایت سوم

« لَمْ يَذْهَبْ مِنْ مَالِكَ مَا وَقَيْتَ بِهِ عِرْضَكَ » (خوانساری، ۱۳۶۶ش: ۲۴۲): «اگر مالت را در راه آبرویت خرج کنی، در حقیقت آن را از دست نداده‌ای». واژه « ذَهَبَ » به معنای « بردن و رفتن » است و هم در مورد اجسام و هم در مورد معانی به کار می‌رود. مثلاً در آیات قرآن آمده است: «إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيِّئُ الدِّينِ» (صافات/۹۹) (مفردات، ۱۴۱۲ق، و لسان العرب، ۱۴۱۴ق، و البحرالمحیط، ۱۳۷۸ق، و تاج العروس، ۱۴۱۴ق، ماده ذهب).

در فراز روایت، همنشینی دو واژه « مَالِكَ » و « عِرْضَكَ » منجر به مفهوم « لَمْ يَذْهَبْ » (از دست نرفتن) می‌شود. این رابطه معنایی بین آبرو و مال، سبب ابدی شدن ارزش مال می‌شود. به عبارت دیگر، ارزش و مقام ابدیت و از دست ندادن مال « لَمْ يَذْهَبْ » زیر شمول معنایی واژه « أَفْضَلُ الْمَالِ » قرار می‌گیرد.

در تمامی روابط شمول معنایی واژگان مذکور، تلازم یک‌سویه حکمفرما است. بر اساس فراز روایت « أَفْضَلُ الْمَالِ مَا وَقَيْتَ بِهِ الْعُرْضُ »، واژه « أَفْضَلُ الْمَالِ » رابطه فراشمولی با واژگان زیر شمول خود دارد. این روابط گشتاری شمول معنایی را می‌توان در

نموداری ترسیم کرد که نشان‌دهنده ارتباط بین «أَفْضَلُ الْمَالِ» و واژگان زیر شمول آن مانند «خَيْرٌ»، «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ»، و «لَمْ يَذْهَبْ» است. این تحلیل نشان می‌دهد که ارزش‌های اخلاقی و معنوی مانند حفظ آبرو، بزرگواری، و نیکی، زیر شمول مفهوم «أَفْضَلُ الْمَالِ» قرار می‌گیرند و این رابطه شمول معنایی، اهمیت حفظ آبرو را در کنار مال برجسته می‌کند. روابط گشتاری شمول معنایی واژه «أَفْضَلُ الْمَالِ» با واژگان زیر شمولش در نمودار زیر قابل ترسیم است:



## ۷- روابط مفهومی تقابل در روایات

روابط مفهومی دیگری میان جملات به نام «تقابل معنایی» (Semantic Opposition) رایج است. در رابطه شمول معنایی، گاهی جملات از لحاظ معنایی با هم جمع نمی‌شوند و «مفهوم واژه‌ها در جمله‌ای در نقطه متقابل مفهوم واژه‌های جملات دیگر قرار می‌گیرد» (صفوی، ۱۳۹۷: ۱۱). این تقابل معنایی، علی‌رغم عدم جمع‌پذیری رابطه معنایی واژه‌ها، در ساختار جمله‌ها نیز تغییر محسوسی ایجاد می‌کند. شمول معنایی متقابل حالتی است که افزون بر گشتار واژه، تغییری در ساختار جمله رخ می‌دهد، به گونه‌ای که سیاق سلبی را به ایجابی یا ایجابی را به سلبی مبدل می‌کند (پاکتچی، ۱۳۹۳: ۳۲۲).

به عبارت دیگر، مولفه‌های معنایی سلب و ایجاب، متمایزکننده معنا میان واژه‌ها هستند. اقسام تقابل معنایی عبارتند از: تقابل تضایف (Relational Opposition)، تقابل مدرج (Gradable Opposition)، تقابل تکاملی (Complementary Opposition)، تقابل جهت‌ی (Directional Opposition)، تقابل تعبیری (Interpretive Opposition)، تقابل واژگانی (Lexical Opposition)، تقابل در معنای مجازی تقابل در نمای مفهومی (قائم‌نیا، ۱۴۰۹: ۱۴۹).

تقابل تکمیلی در موردی مطرح می‌شود که گزینه‌های موجود در یک قلمرو به صورت «این یا آن» در بیابند و تمام آن قلمرو یا حوزه را زیر پوشش خود قرار دهند (قائم‌نیا، ۱۴۰۰: ۱۷۴). یعنی نفی یکی از دو مفهوم، معادل دیگری می‌شود. با وجود اینکه واژه‌ها با هم متقابل هستند، در رابطه معنایی مکمل یکدیگر می‌شوند. در واقع، تقابل معنایی مکمل به رابطه مفهومی دو واژه یا عبارت می‌پردازد که هر کدام مفهوم دیگری را مکمل خود ضروری می‌دانند.



- أفضل المال در سیاق ایجابی: مال برای حفظ آبرو خرج می‌شود.
  - اللُّؤْمُ در سیاق سلبی: آبرو برای به‌دست‌آوردن مال از دست می‌رود.
- این نمودار نشان می‌دهد که چگونه تقابل معنایی مکمل بین دو روایت، مفهوم ارزش و بی‌ارزشی مال را در ارتباط با آبرو به تصویر می‌کشد.

## ۸- ارزش‌های عبارت «أَفْضَلُ الْمَالِ» در روایات

مفاهیم اخلاقی همان‌قدر که در ذهن درک می‌شوند، در جهان خارج با تعبیر «اعتبار» شناخته می‌شوند. هر چیزی که در جهان واقع وجود دارد، از حیث اعتبار ارزش‌گذاری می‌شود. برای شناخت اعتبار، باید بین فعل اخلاقی و خود اخلاق تفاوت قائل شد. «شناخت وجوه و اعتبارات افعال، مستلزم وجود معیاری است که با وجود آن، فعل اخلاقی و با فقدان آن، ضد اخلاقی می‌گردد» (مطهری، ۱۳۸۲: ۱۵۶). بنابراین، فعل اخلاقی متغیر است، اما معیار اخلاقی ثابت است. بر این اساس، برخی از اعتبارات در گزاره‌های اخلاقی متغیر و برخی ثابت هستند که به ترتیب به ارزش نسبی و ارزش مطلق تقسیم می‌شوند. ارزش نسبی انعطاف‌پذیر است و در زمان‌ها، موقعیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف اجتماعی قابل تغییر است، در حالی که ارزش مطلق ثابت است و معیار فعل اخلاقی محسوب می‌شود.

### ۸-۱- نمونه روایت

در روایتی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمده است: «يَتَوَلَّوْا بُرُءَ آدَمَ: مَالِي مَالِي، هَلْ لَكَ مِنْ مَالِكٍ إِلَّا مَا أَكَلْتَ فَأَنْتَيْتَ، أَوْ لَبَسْتَ فَأَبَيْتَ، أَوْ تَصَدَّقْتَ فَأَبَيْتَ» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴: ۹، ۳۰۱): «انسان می‌گوید: مال من، مال من! آیا بهره تو از مالت جز چیزی است که خوردی و فانی کردی، یا لباسی که پوشیدی و پوساندی، یا صدقه‌ای که دادی و جاودانه ساختی؟» در فراز روایت، به سه نوع تصرف در مال اشاره شده است: خوردن، پوشیدن، و صدقه دادن. سوال مطرح شده این است که کدام یک از این تصرف‌ها دارای ارزش نسبی و کدام یک دارای ارزش مطلق هستند؟ واژه «مال» در این روایت نسبت به واژه‌های «أَكَلَ» (خوردن)، «لَبَسَ» (پوشیدن)، و «صَدَّقَ» (صدقه دادن) شمول معنایی دارد. واژه «مال» به معنای «هر چیزی است که مورد رغبت انسان‌ها قرار گیرد و بخواهند مالک آن شوند. گویا این کلمه از مصدر «میل» گرفته شده است، زیرا مال چیزی است که دل آدمی به سوی آن متمایل است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۷۳، ۲).

واژه «أَكَلَ» در زبان عربی به معنای «خوردن» است (المنجدالطلاب، ۱۳۷۱: ۱۳، و مفردات، ۱۴۱۲: العین، ۱۴۹: ا، لسان العرب، ۱۴۱۴: اق، ماده أكل). خوردن، پوشیدن و صدقه دادن مصادیق معنایی واژه «مال» هستند، زیرا انسان تمایل به خوردن، پوشیدن و کمک به دیگران دارد. اما سوال این است که چه نوع خوردنی، چه نوع پوشیدنی و چه نوع کمک به دیگران می‌تواند به مال ارزش دهد؟ و آیا این ارزش‌ها با هم برابر هستند؟

### ۸-۱-۱- علاقه معنایی واژگان و ارزش‌ها

برای رسیدن به پاسخ سوالات مطرح شده، اصول و قواعد روابط معنایی بسیار راه‌گشا هستند. در این مسیر، نوع رابطه مفهومی واژگان روایت مذکور با آیات قرآن کریم تبیین می‌شود. برای مثال، در آیات قرآن، صدقه دادن به عنوان یک عمل نیک و دارای ارزش مطلق مورد تأکید قرار گرفته است: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ» (بقره / ۲۶۱): «مثل کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، مانند دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند و در هر خوشه صد دانه باشد.» این آیه نشان می‌دهد که صدقه دادن نه تنها باعث کاهش مال نمی‌شود، بلکه آن را چندین برابر می‌کند. این مفهوم با روایت مذکور هم‌خوانی دارد که صدقه دادن باعث بقای مال می‌شود.

در روایت مذکور، سه نوع تصرف در مال (خوردن، پوشیدن، و صدقه دادن) مورد اشاره قرار گرفته است. خوردن و پوشیدن معمولاً دارای ارزش نسبی هستند، زیرا بستگی به شرایط و فرهنگ‌های مختلف دارند و موقت و فانی هستند. در مقابل، صدقه دادن دارای ارزش مطلق است، زیرا در همه زمان‌ها و مکان‌ها ارزشمند است و اثرات مثبت آن در جامعه باقی می‌ماند.

### ۱-۱-۱-۸- واژه «أكل»

واژه «أكل» در فراز روایت «هَلْ لَكَ مِنْ مَالِكَ إِلَّا مَا أَكَلْتَ فَأَفْتَيْتَ» به معنای تصرف مال در خوردن است. در آیه «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ» (بقره/۱۸۸)، این واژه از معنای خوردن به هر نوع تصرفی در مال، به شرط عدم بیهودگی، گشتار کرده است. منظور از «أكل اموال»، گرفتن مال یا مطلق تصرف در آن است که به طور مجازی «خوردن مال» نامیده می‌شود. این اطلاق مجازی به این دلیل است که خوردن نزدیک‌ترین و قدیمی‌ترین عمل طبیعی است که انسان به آن نیاز دارد. از اولین روز پیدایش، انسان ابتدا نیاز به تغذیه را احساس می‌کند و سپس به نیازهای دیگر مانند لباس، مسکن و ازدواج می‌پردازد. بنابراین، اولین تصرفی که انسان در مال احساس می‌کند، خوردن است و به همین دلیل، هر نوع تصرف در مال را «خوردن مال» می‌نامند (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ۲:۷۳). در اینجا، واژه «أكل» گستره معنایی و فراشمولی پیدا کرده است. با این حال، تصرف مال در خوردن در شرایط مختلف زمانی، مکانی و فرهنگی قابل تغییر است و به عنوان تصرفی با ارزش نسبی شناخته می‌شود.

### ۱-۱-۲-۸- واژه «لبس»

واژه «لبس» در عبارت «أَوْ لَبِستَ فَأَبْلَيْتَ» به معنای «پوشیدن» است (مفردات، ۱۴۱۲ق، و قاموس قرآن، ۱۳۷۱ش، و البحرالمحیط، ۱۳۷۵ش، و لسان العرب، ۱۴۱۴ق، ماده لبس). در روایت، این واژه به معنای عام «پوشیدن» آمده است. در آیه «وَجَعَلَ لَكُم سَرَائِلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ وَ سَرَائِلَ تَقِيكُمُ بَأْسَكُم» (نحل: ۸۱)، واژه «سَرَائِلَ» از ریشه «سَرَبَال» به معنای پیراهن است (لسان العرب، ۱۴۱۴ق، و البحرالمحیط، ۱۳۷۵ق، و العین، ۱۴۰۹ق، و تاج العروس، ۱۴۱۴ق، ماده لبس). راغب می‌گوید: «سَرَائِلَ» به هر نوع پیراهنی اطلاق می‌شود (مفردات، ۱۴۱۲ق، ماده لبس). در روایت، دایره معنایی «لبس» عام است و به پوشیدن اشاره دارد، اما در آیه، این واژه به واژه خاص «سَرَائِلَ» (پیراهن) گشتار کرده است تا مصادیق و شعاع معنایی بیشتری یابد. مقوله پوشیدن در شرایط مختلف، از نظر نوع پوشش، اندازه، جنس و نیازهای متفاوت، تغییر می‌کند. بنابراین، ارزش‌های مرتبط با پوشیدن نیز با تغییر شرایط، قابل تغییر هستند و در جایگاه نسبی قرار می‌گیرند.

### ۱-۱-۳-۸- واژه «صدق»

واژه «صدق» در عبارت «أَوْ تَصَدَّقْتَ فَأَفْتَيْتَ» از باب تفعّل به معنای زکات دادن و بخشش است (لسان العرب، ۱۴۰۹ق، و قاموس قرآن، ۱۳۷۱ش، ج ۴، ص ۱۱۶؛ البحرالمحیط، ۱۳۷۵ق، ماده صدق). راغب در مفردات می‌گوید: «صدق به معنای گذشتن از حق خود و بخشیدن به دیگران است» (مفردات، ۱۴۱۲ق، ماده صدق). در حالی که دو مولفه «أكل» و «لبس» به مصرف مال توسط انسان برای رفع نیازهای خود اشاره دارند، «صدق» به بخشیدن مال به دیگران مربوط می‌شود. این عمل از دایره خودخواهی و خودبینی خارج می‌شود و به عنوان یک فعل اخلاقی ارزشمند شناخته می‌شود. واژه «صدق» در روایت به زیر شمول واژه «المال» در آیه «وَ آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ» (بقره/۱۷۷) گشتار می‌یابد.

### ۱-۱-۴-۸- واژه «آتی»

واژه «آتی» در این آیه به معنای «بخشیدن» است (مفردات، ۱۴۱۲ق، و العین، ۱۴۰۹ق، و لسان العرب، ۱۴۱۴ق، و تاج العروس، ۱۴۱۴ق، ماده اتی). در این آیه، واژه‌های «آتی» و «حُبِّهِ» به واژه «المال» معنی فراشمولی می‌دهند، زیرا بخشیدن مال به همراه دوستی و میل قلبی، از مرز خودخواهی عبور می‌کند و مال را در بهترین ارزش‌ها قرار می‌دهد. این ارزش، همان ارزش مطلق است.

تحلیل روابط معنایی واژگان در روایت و آیات قرآن نشان می‌دهد که در روایت «هَلْ لَكَ مِنْ مَالِكَ إِلَّا مَا أَكَلْتَ فَأَفْتَيْتَ أَوْ لَبِستَ فَأَبْلَيْتَ أَوْ تَصَدَّقْتَ فَأَفْتَيْتَ» از بین واژه‌های «أكل»، «لبس» و «صدق»، تنها واژه «صدق» دارای ارزش مطلق

است و به عنوان بهترین مال تعبیر می‌شود. این واژه در روابط معنایی نسبت به واژه «أَفْضَلُ الْمَالِ» از مصادیق و زیر شمول آن محسوب می‌شود. در واقع، «أَكْل» و «لُبْس» دارای ارزش نسبی هستند و با تغییر شرایط، ارزش‌های شان نیز تغییر می‌کند؛ اما «صَدَق» دارای ارزش مطلق است و به عنوان بهترین تصرف در مال شناخته می‌شود.

## نتیجه‌گیری

- از نظر تفسیری، خود مال به تنهایی ارزش ندارد، بلکه عواملی محوریت دارند که به مال ارزش می‌نهند و فهم عمیق این عوامل در روابط معنایی کلمات سخن امام رضا علیه السلام در مقایسه با خانواده حدیث این نتایج به دست می‌دهد:
- ۱- در سیاق مثبت روایات، روابط معنایی بین واژگان «مال» و «عرض» به ساخت واژگانی مانند بزرگواری، خیر، ابدیت و بهترین اعمال منجر شده‌اند، این مفاهیم ارزشی، زیر شمول معنای «أفضل المال» قرار می‌گیرند. در روابط معنایی متقابل، از سیاق منفی در همنشینی «مال» و «عرض»، واژه «اللُّؤْمُ» (ملامت) به دست می‌آید.
  - ۲- از همنشینی واژه‌های «أکل»، «لبس» و «صدق» در روایت پیامبر اکرم (ص)، انواع تصرفات در مال مشخص شده‌اند:
    - واژه «أکل» در روایت و آیه «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ» (بقره/۱۸۸)، زیر شمول واژه «مال» قرار دارد. تصرف مال در خوردن، بسته به موقعیت‌های مختلف زمانی، اجتماعی و مکانی، قابل تغییر است و ارزش نسبی دارد.
  - ۳- واژه «لبس» در روایت و آیه «وَجَعَلَ لَكُم سَرَائِلَ تَقِيَكُم الْحَرَّ وَ سَرَائِلَ تَقِيَكُم بُأْسَكُم» (نحل/۸۱)، زیر شمول واژه «مال» قرار دارد و از نظر فراشمولی نیز گشتار کرده است. با توجه به ناپایدار بودن ارزش‌های مرتبط با پوشیدن، این واژه به مال ارزش نسبی می‌دهد و نمی‌تواند مصداق «أفضل المال» باشد.
  - ۴- واژه «صدق» در روایت و آیه «وَ آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ» (بقره/۱۷۷)، زیر شمول واژه «مال» قرار دارد و رابطه هم‌شمولی با «أفضل المال» دارد. از آنجایی که روابط مفهومی بین این دو واژه در جهان واقع ثابت و بدون تغییر است، به مال ارزش مطلق می‌دهد. بنابراین، تنها واژه «صَدَقَ» است که به عنوان بهترین ارزش مال، زیر شمول عبارت «أفضل المال» قرار می‌گیرد.

## منابع

-قرآن کریم

- [۱] ابن منظور، محمد ابن مكرم، (۱۴۱۴ق)، **لسان العرب**، محقق: جمال الدين ميردامادی، بیروت: دار صادر.
- [۲] أزهری، ابومنصور محمد بن محمد، (۲۰۱۰م)، **التهذيب اللغه**، محقق: محمد عوض مرعب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- [۳] افرام البستانی، فواد، (۱۳۷۹ش)، **المنجد الطلاب**، مترجم: محمد بندرریگی، تهران: حر.
- [۴] امام شوشتری، محمدعلی، (۱۳۴۷ش)، **واژه های فارس در زبان عربی**، تهران: انجمن آثار ملی.
- [۵] باقری، مهري، (۱۳۷۱ش)، **مقدمات زبان شناسی**، تبریز: دانشگاه تبریز.
- [۶] بهشتی، سعید؛ رشیدی، شیرین، (۱۳۹۲ش)، **روش های تربیت عقلانی بر مبنای سخنان امام رضا علیه السلام**، عقل و دین، مدرسه نور الثقلین، سال ۵، شماره ۸، بهار و تابستان، صص ۶۸-۱۰۲.
- [۷] پاکتچی، احمد، (۱۳۷۹ش)، **فقه الحدیث: مباحث نقل به معنا**، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- [۸] حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، **وسائل الشیعه**، محقق موسسه آل بیت علیهم السلام، قم: موسسه آل بیت علیهم السلام.
- [۹] حسینی زبیدی، محمد مرتضی، (۱۴۱۴ق)، **تاج العروس من جواهر القاموس**، محقق علی هلالی و علی سیری، بیروت: دارالفکر.
- [۱۰] خوانساری، جمال، (۱۳۶۶ش)، **غررالحکم و دررالکلم**، محقق: جمال الدين محمد خوانساری، تهران: دانشگاه تهران.
- [۱۱] چامسکی، نوآم، (۱۳۸۰ش)، **دانش زبان: متهیت و منشأ کاربرد آن**، ترجمه علی درزی، تهران: نی.
- [۱۲] راسخ مهند، محمد، (۱۳۹۲ش)، **درآمدی بر زبان شناسی شناختی: نظریه ها و مفاهیم**، تهران: سمت.
- [۱۳] راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، **مفردات أفاظ القرآن**، محقق: صفوان عدنان داوودی، بیروت: دارالشامیه.
- [۱۴] شاملی، نصراله؛ محمدی رایگانی، ارمان، (۱۳۸۷ش)، **میدان های معناشناختی واژگان نهج البلاغه**، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال ۵، شماره ۹، صص ۴۷-۷۸.
- [۱۵] شم آبادی، مرضیه و دیگران، (۱۴۰۰ش)، **کاربرد شناسی روایات تقیه با تمرکز بر تحلیل بافت موقعیتی**، دو فصلنامه کتاب قیام، شماره ۲۷، پاییز و زمستان، صص ۲۵۸-۲۳۷.
- [۱۶] صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، (۱۴۱۴ق)، **المحیط فی اللغه**، محقق: محمد حسن آل یاسین، بیروت: عالم الکتاب.
- [۱۷] صفوی، کورش، (۱۳۶۶ش)، **درآمدی بر معنی شناسی فرانک ر. پالمر**، تهران: مرکز.

- [۱۸] \_\_\_\_\_، (۱۳۹۲ ش)، واژه های بدون معنی کریستونوگوکر، تهران: رامین.
- [۱۹] \_\_\_\_\_، (۱۳۹۵ ش)، نظریه های معنی شناسی واژگانی رویرک گیررئس، تهران: مهارت.
- [۲۰] \_\_\_\_\_، (۱۳۹۷ ش)، درآمدی بر معنی شناسی، تهران: سوره مهر.
- [۲۱] طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۷۴ ش)، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم: محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- [۲۲] طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۴۰ ق)، ترجمه مجمع البیان، مترجم: احمد بهشتی، تهران: فراهانی.
- [۲۳] طریحی، فخرالدین محمد، (۱۳۷۵ ش)، مجمع البحرين، محقق: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی.
- [۲۴] عسکری، حسن بن عبدالله، (۱۴۰۰ ق)، الفروق فی اللغه، بیروت: دارالآفاق الجدیده.
- [۲۵] العطاری، شیخ عزیزالله، (۱۳۹۲ ق)، مسند الامام الرضا(ع)، تهران: مکتبه الصدوق.
- [۲۶] فتاحی زاده، فتحیه؛ حبیبی، فاطمه، (۱۳۹۷ ش)، تأثیر مطالعات زبان شناختی بر فهم نوین نهج البلاغه، جشنواره تألیفات علمی برتر علوم اسلامی، جایزه ویژه علامه جعفری(رض).
- [۲۷] فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ ق)، کتاب العین، قم: هجرت.
- [۲۸] فعالی، محمد تقی (۱۳۹۴ ش)، سبک زندگی رضوی، تهران: بنیاد ملی فرهنگی هنری امام رضا(ع).
- [۲۹] فیروزآبادی، محمدبن یعقوب، (۱۴۱۵ ق)، القاموس المحيط، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- [۳۰] فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۱۴ ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم: دارالهجره.
- [۳۱] قائمی نیا، علیرضا، (۱۳۹۶ ش)، استعاره های مفهومی و فضاهاى قرآنی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- [۳۲] \_\_\_\_\_، (۱۴۰۰ ش)، موافقت معنایی (موافقت گشتاری، موافقت تعبیری، موافقت فرانقشی)، مشهد: آستان قدس رضوی.
- [۳۳] \_\_\_\_\_، (۱۴۰۳ ش)، معناشناسی شناختی قرآن، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- [۳۴] قرشی، بنابی، علی اکبر، (۱۳۷۱ ش)، قاموس القرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- [۳۵] مجلسی، محمدباقر، (بی تا)، بحار الانوار الجامعه للدرر أخبار الأئمه الأطهار(ع)، (بی جا): مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه.
- [۳۶] محدثی، جواد (۱۳۹۴ ش)، حکمت های رضوی: ترجمه و توضیح چهل حدیث از امام رضا(ع)، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

- [۳۷] محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۴ش)، **میزان الحکمه**، قم: دار الحدیث.
- [۳۸] مشکور، محمد جواد، (۱۳۵۷ش)، **فرهنگ تطبیقی عربی با زبان های سامی و ایرانی**، بنیاد فرهنگ ایران.
- [۳۹] مصلاهی پور یزدی، دیمه کار گراب، محسن، (۱۳۸۹ش)، **گونه شناسی روایات تفسیری امام رضا(ع)**، حدیث پژوهی، دوره ۲، شماره ۱، صص ۶۶-۳۷.

[40] Frege Gottlob(1948).**sense and reference**. The philosophical Review.

[41] Ogden; CK-and I. A. Richards. 1923 .**The Meanin of Meaning**. London: kegan Paul.

[42] Trier, Jost (1431) **The German vocabulary in the sense of the understanding: The history of a linguistic field** I.von den Arfangen to the beginning of the 13th century Heidelbergy: winter.

[43] Richards, Ivov A. (1936) **The pophilosophy of Rhetoric**. Oxford: Oxford suniversity press. 5 Morris; C.1938. Foundations of the theory of signs. International Encyclop lia of Unitnes d Science. Vol 1. No2. Chicago: University of chicago .

[44] Carnap; R.1942. **Introduction to semantics**.cambrige, MA: Harvard University press.

[45] \_\_\_\_;1952. "**Mearing postulates**": philosophical studies.

[46 ]Geeraerts Dirk(2010). **Theories of Lexical semantics**.oxford University press. Inc; New York.